

فلسفه اربعین حسینی



به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان؛ چشم بر هم زدیم و اربعین حسینی رسید. چهل روز عاشقانه را عارفانه گذراندیم و دل در گرو یار همصدا شدیم با قافله سالار کاروان اسرای کرب و بلا؛ زینب کبری (س). نغمه سر دادیم با ناله های رقیه و سکینه و گوش فرا دادیم به ندای «ما رایت الا جمیلا». و برآستی که چه بود آن همه رخداد، اگر زیبایی نبود؟!

به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان؛ چشم بر هم زدیم و اربعین حسینی رسید. چهل روز عاشقانه را عارفانه گذراندیم و دل در گرو یار همصدا شدیم با قافله سالار کاروان اسرای کرب و بلا؛ زینب کبری (س). نغمه سر دادیم با ناله های رقیه و سکینه و گوش فرا دادیم به ندای «ما رایت الا جمیلا». و برآستی که چه بود آن همه رخداد، اگر زیبایی نبود؟!

حال باید دید فلسفه این عزاداری ها و اشکواره اربعینی چیست؟ او کیست که چندسالی است کودک و پیر و جوان و زن و مرد برای وصلش پای پیاده و برهنه راه به کوی نینوایش می شناسند تا در اربعین حسینی در جوار یار باشند.

چرا برای حسین بن علی علیه السلام عزاداری اربعین برپا می کنند؟

در این باره شاید ساده ترین پاسخ این باشد که عظمت مصیبت وارده بر امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان بر هیچ کس پوشیده نیست. حسین (ع) از همه چیز خود گذشت، تا دین حق زنده بماند.

عظمت این مصیبت به حدی است که جناب زراره بن اعین (ره) که از اکابر اصحاب اهل بیت و فقهای شیعه امامیه است، از حضرت امام صادق (ع) نقل کرده:

«قال ابو عبدالله (ع): یا زراره! إن السماء بکت علی الحسین (ع) أربعین صباحا بالدم، و إن الأرض بکت علیه أربعین صباحا بالسواد، و إن الشمس بکت أربعین صباحا بالكسوف والحمرة، و إن الملائكة بکت علیه أربعین صباحا و...» (کامل الزیارة، ص 81 و مستدرک الوسائل، ج 2، ص 215)

آنچه از مضمون این روایت بر می آید این است که، بر این مصیبت زمین و زمان و آسمان چهل شبانه روز ناله سر دادند و گریستند.

اما در این باب که منشا و خاستگاه اربعین حسینی چیست؛ دو نقل معتبر وجود دارد:

نخست در روایات و نقل های بسیار آمده؛ اربعین روزی است که اسرای کربلا از شام به مدینه مراجعت کردند. البته در برخی از منابع هم آمده است که اربعین روزی است که کاروان اسرای کربلا به خاک کربلا و بر مزار شهدای کربلا رسیدند و ناله و عزاداری سر دادند.

در این میان سید بن طاوس در «لهوف»، اربعین را روز بازگشت اسرا از شام به کربلا ذکر کرده است. وی می نویسد: «وقتی اسرای کربلا از شام به طرف عراق بازگشتند، به راهنمای کاروان گفتند: ما را به کربلا ببر. بنابراین آن ها به محل شهادت امام حسین آمدند. سپس در آنجا به اقامه عزا و گریه و زاری برای اباعبدالله پرداختند...» (1) اما نقل اول (مراجعت اسرای کربلا به مدینه در روز اربعین) معتبرتر و نزدیک تر به واقع است. شهید مطهری در این خصوص که اهل بیت امام حسین (ع) در روز اربعین به کربلا آمده اند، باور دارد که آن را عقل تایید نمی کند و در منابع دسته اول و معتبر نیامده است. (2) برخی دیگر از مورخان هم به طور صریح و هم غیر صریح این مطلب را انکار نموده اند.

شیخ مفید در «مسار الشیعه» آورده است:

«روز اربعین، روزی است که اهل بیت امام، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند. و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت امام حسین (ع) وارد کربلا شد.» (3)

رسول جعفریان هم می نویسد: «شیخ مفید در ارشاد، ابومختف در مقتل الحسین، بلاذری در انساب الاشراف، دینوری در اخبار الطوال و ابن سعد در الطبقات الکبری، اشاره ای به بازگشت اسرا به کربلا نکرده اند.» (4)

اما به تعبیر دوم اربعین روزی است که، طبق روایات و نقل قول های معتبر، جابر بن انصاری نخستین فردی بود که قبر حضرت حسین و یارانش را زیارت کرد. به عبارتی نخستین زیارت امام حسین در روز اربعین، از سوی جابر بن عبدالله انصاری صورت گرفته است.

شاید از همین روست که از آن به بعد، بر زیارت آن حضرت در اربعین به عنوان عملی مستحب تاکید شده است. تا جایی که در روایت معتبر از امام حسن عسکری (ع) در میان پنج نشانه مومن، خواندن و زیارت اربعین سالار شهیدان ذکر و از علائم شیعه بودن شمرده شده است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاة احدى و الخمسين و زیارة الاربعین والتختم فی الیمین و تعفیر الجبین والجهر بسم الله الرحمن الرحیم؛ نشانه های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشت در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم».

با این توضیحات، به نظر می رسد؛ در خصوص ورود جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین سال ۶۱ هجری به کربلا، بین منابع

تاریخی چندان اختلافی نباشد. چنانچه شیخ طوسی هم می‌نویسد:

«روز اربعین روزی است که جابر بن عبدالله انصاری صحابی رسول خدا (ص) از مدینه برای زیارت قبر امام حسین (ع) به کربلا آمد. او اولین زائری بود که قبر شریف آن حضرت را زیارت کرد». از همین روست که زیارت حرم مطهر امام حسین علیه السلام و یاران باوفای او، چند سالی است که بسیار بیش از قبل مورد توجه قرار گرفته است. تا جایی که زن و مرد و پیر و جوان، از هر کوی و دیاری پای در راه کربلا و سرزمین نینوا می‌گذارند. پیاده‌روی اربعین، نمادی شده از وحدت امت اسلامی و عشق و ارادت خالصانه به امام شهیدان. در این باره هوشنگ جاوید پژوهشگر و اسلام شناس در گفتگو با خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان؛ در خصوص لزوم پیاده روی اربعین اظهار کرد: ضرورت پیاده روی اربعین از آیه شریفه «إِعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» سر چشمه می‌گیرد و بنیاد تمام مراسمی که در کشور ما و کشورهای دیگر شاهد آن هستیم، از عراق شکل گرفته است.

این اسلام شناس در رابطه با سابقه دشمنی جهان غرب با مسلمانان خاطرنشان کرد: ما می‌دانیم که جهان امروز تمام قد در مقابل اسلام ایستاده و این دشمنی ریشه کهنی دارد. یکی از مسائلی که وجود دارد، این است که زمانی که جهان تمام قد در مقابل اسلام ایستاده و هیچ چیز بجز فروش جنگ افزارها برایش مهم نیست، حرکتی که ما به عنوان یک حرکت انسانی انجام می‌دهیم می‌تواند گویای رافت، مهربانی، همدلی و وحدت مسلمانان باشد.

این پژوهشگر با اشاره به حضور جوانان در پیاده روی اربعین تصریح کرد: جوانان کنجکاو هستند و از روی کنجکاوی به این سفر می‌روند و توشه پرباری هم از پیاده روی اربعین به دست خواهند آورد.

وی در پایان گفت: احساسات و کنجکاوی توشه اولیه راه جوانان است؛ اما در برگشت با ارتقای اندیشه و وحدت فکری دیگر نیاز به کلاس‌های متعدد عقیدتی ندارند؛ لذا این راهپیمایی برای آنها یک کلاس عقیدتی هم خواهد بود.

1. اللهوف فی قتلی الطفوف، السید ابن طاووس، ص 114، چاپ: اول.
2. شهید مطهری، حماسه حسینی، ناشر: صدرا، تهران، ج 1، ص 30.
3. مسار الشيعة (المجموعة)، الشيخ المفيد، ص 26، ناشر: مكتب آية الله العظمى المرعشي النجفي قم
4. جعفریان، تأملی در نهضت عاشورا، قم، ص 216. ناشر: انصاریان
5. الشيخ الطوسي، مصباح المتعبد، ص 787، چاپ: اول.